

# زنان پاکستان، زیر فشار قوانین تبعیض آمیز

هینا شهید؛

ترجمه: سونیا غفاری

از زمان استقلال پاکستان می توان گسترش قوانینی را علیه زنان در بستر تغییرات وسیع این جامعه مشاهده کرد، قوانینی که جایگاه زنان را هم در شهر و هم در روستا تحت تأثیر قرار داده است. جامعه ای صلبی (انعطاف ناپذیر) و پدرسالار، خاصه در مناطق روستایی که در آن با زنان همچون مایملک رفتار می شود، زنانی که از طریق ازدواجهای مقرر شده واگذاری یا خریداری می شوند، جامعه ای که آنها را مجبور می کند در خدمت سیستم اجتماعی تحت سلطه مذکر باشند. زنان پاکستان هنوز در حصار جامعه خانوادگی (برادریها) ۱ ازدواج می کنند. این برادریها چهارچوبی ایجاد می نمایند که در آن زندگی زنان بر اساس هوی و هوس مردان قدرتمند مسن تر تنظیم می شود. قدرت برادری های متحد و یکی شده یا پنچایات (جرگه ها) به طور عمده از کنترل بر زندگی زنان و خصوصاً کنترل بر مردی که زن بایستی با او ازدواج نماید ناشی می شود. این اجتماع خویشاوندی عاملی قدرتمند در کنترل زندگی زنان، بخصوص در میان بخشهای فقیر تر جامعه، در شهرهای کوچک و در میان کمیس ها ۲ است، یعنی جایکه یک دختر به خاطر پول به یک مرد به عنوان همسر فروخته می شود.

رژیم ضیاء در پاکستان در تسریع این وضعیت نقش داشت و با قدرت بیشتری به رواج آن پرداخت. مشکلاتی که امروزه زنان در این کشور با آن مواجه اند طی قرن ها انباشته شده است. از جمله قوانین جدید اسلامی که بوسیله رژیم ضیاء تصویب شد، تغییری در قانون شهادت بود (اکتبر ۱۹۸۴) که قانون موجود شهادت را با توصیه اسلام منطبق کرد. احکام حدود (مجازاتهای تعیین شده اسلامی) نیز همانند قوانین خاص شهادت تغییر یافت. قانون جدید شهادت مقرر می کرد که دو شاهد مرد یا در غیبت دو مرد، یک زن و یک مرد شاهد نیاز است تا جرم اثبات شود. این قانون همانند قوانین دیگر یک مرد را با دو زن مساوی قرار می داد. در مورد قوانین قصاص و دیات که غرامت مالی برای فرد آسیب دیده است و از طرف متهم پرداخت می شود نیز همین طور بود. این قانون بوسیله شورای ایدئولوژی اسلامی پیشنهاد شد و بوسیله مجلس شورا (نهاد قانون گذاری ضیاء) تصویب گردید. این غرامت در مورد زنان همواره نیمی از غرامتی بود که به مردان داده می شد. چنین قوانینی که ارزش زنان را نیمی از یک مرد محاسبه می کرد، تقریباً زنان را به مرتبه پاریا (طبقه پست در هندوستان) رساند. این قوانین عوامل نمادین قدرتمندی بودند که جنبش زنان را به حرکت واداشت یعنی سال ۱۹۷۹، زمانی که قوانین تجاوز در پاکستان به طور چشمگیری بوسیله دیکتاتور ژنرال ضیاءالحق تغییر یافت.

قوانین پیشین تجاوز با فرمان ضیاء ملغی شد، ماده ۵۶، تجاوز را رابطه جنسی اجباری تعریف کرده بود. تغییر مهم دیگری که با پذیرش قوانین ضیاء برای اولین بار در تاریخ پاکستان حاصل شد این بود که زنا غیر قانونی شد و زنا محصنه نیز غیر قابل سازش، غیر قابل ضمانت و قابل مجازات به شدیدترین شکل ممکن یعنی مرگ شد. همزمان با حذف جرم زنا با صغیر (هتک ناموس دختر نابالغ) زنا نیز غیر قانونی اعلام گردید، بنابراین حتی دختران نابالغ هم می توانستند در برقراری رابطه جنسی نامشروع در صورت رسیدن به بلوغ مسئول شناخته شوند. این احکام اسلحه

های جدیدی برای مردان در مقابل زنان فراهم نمود چرا که زنا و تجاوز و زناي محصنه جرمی در مقابل دولت تلقی شد. در چنین شرایطی زنان قربانی تجاوز جرأت شکایت موارد خشونت جنسی را از ترس مجازات هایی که خود آنها را شامل می شد نداشتند.

فهرستی طولانی از جرائم موحشی که بر علیه زنان در پاکستان انجام می شود وجود دارد. چطور می توان سامیه سرور را که مادر دو پسر جوان بود فراموش کرد؟ زنی که در دفتر وکیلش در لاهور به ضرب گلوله کشته شد، او زنی از پیشاور بود که تحت خشونت خانگی و میزان بالایی از آزار جسمی قرار داشت. جرم او تنها این بود که از همسر متجاوز خود تقاضای طلاق کرده بود. در نمونه دیگری زفران بی بی از منطقه کوهات از ایالت سرحد شمال غربی، به جرم زناي محصنه محکوم به مرگ گردید، جرمی که هرگز اتفاق نیافتاده بود. یا یک شورای قبیله ای در میروالا در ایالت پنجاب که دستور تجاوز گروهی به مختاران را داد، آن هم در انتقام به رابطه ای که به برادرش منتسب کرده بودند. بعد از تجاوز او را مجبور کردند که برهنه در مقابل چشم ناظران راه برود.

وجود احکام حدود، به قضات این جسارت و جرأت را داده تا زنان را در جامعه ای که پیش از این بر علیه آنها موضع گرفته است، محکوم نمایند. در کنار این قوانین تبعیض آمیز ناموجه که بشر بودن زنان را به نیمه تقلیل داده ، سیاستهایی بوسیله رژیم ضیاء اتخاذ شدند که دورنمای زندگی زنان شاغل را به شکل مستقیم تری تهدید کردند. اگرچه فعالیتهای آشتی ناپذیر و تظاهرات جنبش زنان در مرحله اول در مقابل قوانین جدید مستقیماً ایستاد اما برخی دغدغه های اساسی وجود دارند خصوصاً درباره آینده آموزش و تحصیلات زنان ، قوانین و سیاستهایی که بوسیله ضیاء الحق جهت دلسرد کردن زنان از شرکت در فعالیتهای بیرون از خانه و محدود کردن قلمروی خود ابزاری زنان پیگیری شد. در آن زمان فضایی در جامعه گسترش یافت که حمله به زنان پیش پا افتاده و معمولی گشته و تحت نام اسلام به رسمیت شناخته شود.

متولیان جهل، کمپین هایی را علیه زنان راه اندازی کردند که به نظر می رسد همه اینها ناشی از نوعی لذت روحی شرورانه از شکنجه زنان به بهانه اجبار اخلاقی است. دستورالعملهایی به معلمان، کارمندان دولتی زن و دختران دانش آموز داده می شد که چادر و برقع بپوشند. خشونت علیه زنان در لفافه اسلامی روبه افزایش بوده است . مثالهایی از چنین ریاکاری و تزویر بی شمار است و در مورد آنها اطلاع رسانی نیز صورت گرفته است، وقایعی مانند بریدن بینی زنان یا برهنه کردن آنها و در انتظار گرداندن برای چنین هتک حرمتهای عمومی ، رژیم ضیاء مجازات هایی را اعلام کرد اما این رژیم به اصطلاح اسلامی اقدام ناچیزی برای مجازات این مجرمان انجام داد. این وقایع و حملات به زنان هنوز نیز ادامه دارد.

دهه ۱۹۸۰ همیشه به عنوان زمانی یادآوری می شود که تعدادی از سازمانهای زنان که شامل سازمان WAF ، جبهه زنان و نهضت سندیهاست در اعتراضی بر علیه سیاستهای رژیم نظامی ژنرال ضیاء که بر علیه زنان و به نام اسلامی کردن انجام می شد ، گرد هم آمدند. در همان دهه تنزل مقام زنان پاکستانی به اوج خود رسیده بود. رژیم ضیاء به نام اسلام مجموعه ای از برنامه ها را طرح ریزی نمود تا باقیمانده ناچیزی از حقوق قانونی زنان را در زمینه های آموزشی و اشتغال از بین ببرد. این مسأله زنان کشور را برای دفاع از حقوق خود برانگیخت. به تازگی جنبش قدرتمند زنان تأثیر چشمگیری بر صحنه سیاسی پاکستان گذاشت. سال ۲۰۰۶ زمانی که زنان پاکستانی بار دیگر به خیابانها آمدند و خواستار لغو احکام حدود شدند، تاریخی ساخته شد. ۳۳ درصد از نمایندگان زن در پارلمان

دیکتاتورها را مجبور کردند تا عدالت را در حق زنانی که سالها در زندانها تحت قوانین نظامی رنج کشیده اند اجرا کنند. زنان با تمام قدرت از سند، پنجاب، بلوچستان به کمک سازمان های غیر دولتی ، فعالین و نمایندگان جامعه مدنی آمدند و قوانین تبعیض آمیز علیه زنان را در کشور به مبارزه طلبیدند. زنان از مناطق دور افتاده برای خواهرنشان که سالهاست در زندان به سر می برند به تمامی تلاش کردند .پس از فشارهای مداوم ، حکومت تعدادی از زنان را از زندانهای لاهور و کراچی آزاد کرد، اما این راه حل نهایی نیست. براندازی قوانین حدود برای حفاظت از آینده زنان ، الزامی است.

پاورقی ها:

۱. برادری: گروهی از مردان خویشاوند که از طریق پدر با هم نسبت خونی دارند و نقش بسیار مهمی در روابط اجتماعی بازی می کنند.

۲. طبقه بسیار فقیر جامعه پاکستان که تقریباً معادل سرف یا همان زارعین بدون زمین است.

منبع:

[www.talesofasia.com](http://www.talesofasia.com)